

وفات آیت الله تبریزی؛ از مراجع تقلید شیعه

آیت الله میرزا جواد تبریزی در سال ۱۳۰۵ش در شهر تبریز در میان خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود. تحصیلات علوم جدید را تا پایان سال دوم دبیرستان در همان شهر به پایان رساند تا این که عشق و علاقه فراوان به مکتب اهل بیت علیهم السلام و روحانیت شیعه، او را به سوی تحصیل در حوزه کشاند. این گونه بود که پس از گذراندن تحصیلات جدید، با شوق فراوان، در سن هجده سالگی تحصیل علوم دینی را آغاز کرد و طی چهار سال، مقدمات و مقداری از دروس سطح را در شهر تبریز به پایان رساند. آیت الله تبریزی برای ادامه تحصیل، شهر و دیار خویش را در سال ۱۳۲۷ش به قصد ورود به حوزه علمیه قم ترک گفت. وی در قم دوره سطح را به پایان برد و در اوج شکوفایی علمی و فقهی، وارد درس خارج استادان گرانمایه‌ای چون مرحوم آیت الله العظمی سید محمدحجت و مرحوم آیت الله العظمی بروجردی شد. در طول این مدت، شاگردی نزد آیت الله زنوزی تبریزی و آیت الله العظمی بروجردی، از او در فقه و اصول، چنان طلبه ممتازی ساخته بود که مرحوم بروجردی، او را به عنوان مسئول امتحان گیری از طلاب حوزه انتخاب کرده بود. علاقه فراوان به ادامه تحصیل آن هم در کنار مرقد پاک امیرمؤمنان علی علیه السلام، آیت الله تبریزی را بر آن داشت تا به نجف اشرف برود. ماجرای این سفر مقدس شنیدنی است: آن مرحوم روزی در محضر علما و بعضی از مراجع وقت آن زمان در قم نشسته بود که بحثی علمی پیش می‌آید و تنها ایشان به خوبی از عهده پاسخ برمی‌آید. همین امر موجب شگفتی حاضران می‌شود. اتفاقاً در آن جمع، شخص تاجری که فردی دین دار و علاقه مند به روحانیت بوده، حضور داشته است. پس از جلسه، از آیت الله تبریزی می‌خواهد که قدری صبر کند و سپس از ایشان می‌خواهد اگر خواسته‌ای دارد، بفرماید. آن مرحوم نیز می‌گوید: «من خیلی علاقه دارم برای ادامه درس و بحث به نجف بروم، ولی به دلیل نبود امکانات نمی‌توانم.» آن شخص تاجر، مخارج سفر را فراهم می‌کند و آیت الله تبریزی پس از پنج سال حضور در حوزه قم، در سال ۱۳۳۲ش به نجف اشرف می‌رود. آیت الله میرزا جواد تبریزی را باید از شاگردان برجسته مرحوم آیت الله خویی دانست؛ چه آن که همواره مورد عنایت خاص وی و طرف مشورت آن مرد بزرگ بود. آیت الله خویی، آینده این شاگرد ممتاز را بسیار درخشان توصیف می‌کرد و می‌گفت: «میرزا جواد، فاضل و مجتهد مطلق است.» آیت الله تبریزی پس از گذشت ۲۳ سال حضور در حوزه مقدس نجف اشرف و تحقیق و تدریس و تبلیغ معارف اهل بیت علیهم السلام، سرانجام در سال ۱۳۵۵ش هنگام بازگشت از مرقد سیدالشهداء علیه السلام از سوی رژیم بعث عراق، دستگیر و به ایران فرستاده شد. معظم له پس از ورود به میهن نیز دوباره در حوزه علمیه قم، فعالیت‌های علمی خود را از سر گرفت. آیت الله تبریزی در طول سال‌ها تدریس، هزاران طلبه فاضل را به جامعه اسلامی تحویل داد و حوزه درس وی، جزو شلوغ‌ترین حوزه‌های درسی به شمار می‌آمد. پس از درگذشت محمدعلی اراکی، وی یکی از هفت مرجع تقلیدی بود که از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم معرفی شد. آیت الله میرزا جواد تبریزی در ۳۰ آبان ۱۳۸۵ش برابر با بیست و هفتم شوال المکرم سال ۱۴۲۷ هجری قمری در شهر قم درگذشت و در حرم فاطمه معصومه دفن شد. تألیفات آیت الله تبریزی عبارت‌اند از: "ارشاد الطالب"، "اسس القضاء والشهادات"، "طبقات الرجال"، "تکمله منهاج الصالحین و تعلیقه بر آن"، "رساله توضیح المسائل"، "مسائل منتخبه"، "مناسک حج"، "حاشیه عروة الوثقی"، "حاشیه بر وسیله مرحوم اصفهانی"، "حدود و قصاص"، "فی علم الاصول"، "فی علم الفقه"، "شرح کفایة الاصول"، "صراط النجاة در ۶ جلد"، "قصاص"، "التهدیب در احکام حج"، "الأنوار الالهیة فی المسائل العقائدی"، "رساله احکام بانوان"، "رساله احکام نوجوانان و جوانان" و "استفتائات جدید".

عین الدوله وزیران خود را به این شرح معرفی کرد: (1296ش) عین الدوله رئیس الوزراء - مستوفی الممالک وزیر مشاور مشیرالدوله وزیر جنگ - مؤتمن الملک وزیر فوائد عامه و تجارت - علاء السلطنه وزیر خارجه - وثوق الدوله وزیر علوم و اوقاف - قوام السلطنه وزیر داخله - مشارالملک وزیر مالیه - امین الملک وزیر پست و تلگراف - مخبر السلطنه وزیر عدلیه.

ورود اهل بیت سیدالشهداء به کربلا؛ حسینی (61ق) بنا بر روایتی مقارن چهلمین روز شهادت امام حسین(ع) کاروان اهل بیت پیامبر(ص)، پس از افشای ماهیت ضد اسلامی یزید و حقانیت امام حسین(ع)، به سرزمین کربلا بازگشتند. بنابر همین روایت، خاندان امام حسین(ع) در آنجا با صحابی بزرگ پیامبر، جابر بن عبدالله انصاری و عده‌ای دیگر از یاران امام(ع) مواجه شدند که برای زیارت قبر امام حسین(ع) آمده بودند. آنان با سوگواری و سوز و گداز حسرت بار، یاد آن امام شهید و مظلوم را گرامی داشتند و پس از مدتی راهی مدینه شدند.

اربعین حسینی "روز زیارتی مخصوص حضرت سیدالشهدا" اربعین در لغت، به معنای چهل، چهار دهه (لغت نامه دهخدا، 164/5) و در اصطلاح، سپری شدن چهل روز از مرگ کسی و بر پای داشتن مراسمی برای بزرگداشت اوست. این واژه در اصطلاح شیعه، به طور خاص بر روز بیستم ماه صفر یعنی چهل روز پس از واقعه عاشورا و شهادت امام حسین (ع) و یارانش اطلاق می گردد (همان) و به اربعین حسینی نامبردار است.

مرگ "لئو تولستوی" نویسنده بلندآوازه روسی (1910م) لئو تولستوی، نویسنده شهیر روسی در نهم سپتامبر سال 1828 در روسیه به دنیا آمد. از نوجوانی استعداد درخشان و هوش سرشارش، معلمان را به تعجب واداشت. لئون در جوانی وارد ارتش شد ولی پس از مدتی به نویسندگی روی آورد و به آموختن زبان‌های فرانسه و یونانی همت گماشت. تولستوی در میانسالی، از زندگی احساس نارضایتی می‌کرد و تردید و زدگی در قلب او ریشه می‌دوانید. او مدام در جستجوی زندگی بود، در معنای مسیحیت سیر می‌کرد و سرانجام به این نتیجه رسید که انجیل، خطاها و تحریفات بسیار دارد اما منکر معنی اصلی مسیحیت، نشد. از این رو بیست سال آخر عمر تولستوی برای حکومت روس در دسر به حساب می‌آمد، او را تحت نظر قرار داده و بیشتر آثارش را ممنوع کردند. هم‌چنین یک کلیسا وی را در 72 سالگی تکفیر کرد. وی در قحطی سال 1891م با دریافت کمک‌های انسانی به یاری مردم شتافت و در اواخر عمر، چنان بلندآوازه شد که تقریباً همه دنیا او را می‌شناختند و به آثار و شخصیتش ارج فراوان می‌نهادند تا جایی که مهاتما گاندی رهبر هند طی نامه‌ای به تولستوی، خود را خاکسار تولستوی خواند. تولستوی در سال‌های پایانی عمر خود، تزار دوم لقب گرفته بود، زیرا حکومت بیم داشت که حتی کوچک‌ترین تعرضی به او بکند. او در روسیه به استثنای تزار، یگانه کسی بود که می‌توانست هر چه دلش می‌خواهد بگوید و در امان باشد. او این آزادی را با قدرت قلمش و با نمونه‌وار زیستنش به دست آورده بود. تولستوی عالی‌ترین نمایشگر روح ملت روس به شمار می‌رود. او همانند یک دانشمند الهیات و معتقد به اصول اخلاقی در جستجوی مرام دوستی پاک و بی‌آلایش بود که در مسیحیت اولیه وجود داشت. تولستوی در میان رفاه و ثروت و شهرت، شکاکیتی در دل داشت و تحولی را در دلش ایجاد کرد که آیین تولستوی نتیجه آن بود. این آیین مبتنی بر عشق مسیحی و متضمن اصل عدم مقاومت در برابر شر است. تولستوی که آمیخته‌ای از خصوصیت‌های متناقض بود و نمی‌توانست زندگی را با اندیشه‌های خویش وفق دهد در مورد مذهب به تغییر عقیده رسید و به ارتدوکس گروید. وی در کتاب اعتراف، سرخوردگی پیاپی خود را از زندگی آمیخته به لذت، مذهب قراردادی و علم و فلسفه بیان می‌کند. با این حال تولستوی اعلام کرد که دیگر برای پرستندگان، زمان آن فرا رسیده است که دست از آداب ظاهری و قشری بردارند و به حقیقت و راستی بپردازند. وی خواهان خدمت متقابل، مساوات اجتماعی و کوشش مشترک برای از بین بردن ول‌خرجی‌ها و زیاده‌روی توانگران و مسکنت و رنج بی‌نویان بود که این، مذهب واقعی اوست. شهرت و بقای تولستوی به سبب داستان‌هایش بود. عظمت کتاب جنگ و صلح او، علاوه بر وسعت موضوع و کمال هنرمندی، در بیان نکته‌های فلسفی و اخلاقی موجود در آن نهفته است. تولستوی در این اثر به شیوه‌ای بسیار کامل، حوادث اساسی زندگی از تولد، بلوغ و ازدواج تا کهولت، مرگ و نیز جنگ و صلح را مورد توجه قرار داده است و به همین دلیل از طرف منتقدان به عنوان حماسه‌ای بزرگ مورد ستایش قرار گرفته است. اگر چه داستان‌ها و کتاب‌های تولستوی با ستایش و پیروزی همراه گشت، با این حال وی معتقد بود هنر دروغی بیش نیست و من دیگر نمی‌توانم این دروغ زیبا را دوست داشته باشم. تولستوی به سبب ترسیم دنیای معاصر و معرفتش درباره عالم محسوس و ملموس و توجهش به مسائل انسانی و هنر داستان‌نویسی، مرد بزرگ و رمان‌نویس برجسته و ممتاز روسیه در قرن نوزدهم به شمار می‌آید. علاوه بر جنگ و صلح، از تولستوی آثار متعددی به یادگار مانده که هنر چیست، حاجی مراد و تاریخ دیروز... از آن جمله است. لئو تولستوی سرانجام در بیستم نوامبر 1910 م در حالی که خانه را ترک کرده بود، همانند بی‌ناترین افراد، در بی‌خانمانی و سرگردانی در 85 سالگی درگذشت.